



doi: [10.30497/hcr.2024.77431](https://doi.org/10.30497/hcr.2024.77431)



Received: 2023/04/09

Accepted: 2023/05/27

The Islamic Republic of Iran and the Necessity of Legal Measures within the Framework of Self-Defense

Zeinab Farahmandzad*

Abstract

After the Al-Aqsa Storm, the occupying regime did not only focus on terrorizing and killing people and resistance forces, but also assassinated Palestinian and Lebanese resistance leaders and Iranian military commanders who were outside the occupied territories and Gaza. The most important of these were the assassination of martyr Ismail Haniyeh in Tehran and martyr Abbas Nilforoshan alongside Sayyed Hassan Nasrallah in Lebanon, the attack on the Iranian consulate building in Damascus, and the martyrdom of a group of Iranian military commanders in Syria by violating the sovereignty and territorial integrity of a third country and carrying out assassination operations. The main question of the research is: according to which rules of international law can the Islamic Republic of Iran resort to legal measures in this regard? This article, using a descriptive-analytical method, has found that the criminal and terrorist actions of the Zionist regime are an example of the policy of terror and violation of the right to life included in the framework of the International Covenant on Civil and Political Rights and a violation of the Fourth Geneva Convention (prohibition of any extrajudicial killing as a widespread violation of human and humanitarian rights). In this regard, Iran's action in launching widespread missile attacks on the occupying regime and targeting the Navatim military base on the evening of Tuesday, October 10, 1403, in an act of legitimate defense against the occupation regime's aggression against Iran's territory or interests and sovereignty and the assassination of Iranian military commanders in other countries, including Syria and Lebanon, and the martyrdom of Ismail Haniyeh, is considered an appropriate and necessary response according to Article 51 of the United Nations Charter.

Keywords: Islamic Republic of Iran, Policy of terror, extrajudicial killing, crime of aggression, violation of sovereignty, legitimate defense.

* Assistant Professor, Faculty of Humanities and Islamic Sciences, Islamic Revolution University, Tehran, I.R.Iran.

z.farahmandzad@cuir.ac.ir

0009-0004-5134-6324

جمهوری اسلامی ایران و ضرورت اقدام‌های حقوقی در چهارچوب دفاع مشروع

زینب فرهمندزاد*

چکیده

پس از طوفان الاقصی رژیم اشغالگر تنها متمرکز بر ترور و کشتار مردم و نیروهای مقاومت نبوده بلکه رهبران مقاومت فلسطینی و لبنانی و فرماندهان نظامی ایران که خارج از سرزمین‌های اشغالی و غزه بودند را نیز ترور کرده که مهم‌ترین آن‌ها، ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران و شهید عباس نیلفروشان در کنار سیدحسن نصرالله در لبنان و حمله به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق و به شهادت رساندن جمعی از فرماندهان نظامی ایران در سوریه از طریق نقض حاکمیت و تمامیت ارضی کشور ثالث و اقدام به عملیات ترور است. سؤال اصلی پژوهش این است که جمهوری اسلامی ایران با توجه به کدام قواعد حقوق بین‌الملل می‌تواند به اقدام‌های حقوقی در این زمینه متوسل گردد؟ این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به این یافته رسیده است که اقدام‌های جنایتکارانه و تروریستی رژیم صهیونیستی، مصداق سیاست ترور و نقض حق حیات مندرج در چهارچوب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نقض مقاله‌نامه چهارم ژنو (ممنوعیت هرگونه کشتار فراقضایی به‌مثابه نقض گسترده حقوق بشر و بشردوستانه) می‌باشد. در این‌راستا اقدام ایران در حملات موشکی گسترده به رژیم اشغالگر و هدف قرار دادن پایگاه نظامی نواتیم در شامگاه سه‌شنبه ۱۰ مهرماه ۱۴۰۳ در اقدام به دفاع مشروع در برابر تجاوز رژیم اشغالگر به خاک یا منافع و حاکمیت ایران و ترور فرماندهان نظامی ایرانی در سایر کشورها از جمله سوریه و لبنان و شهادت اسماعیل هنیه پاسخی مناسب و با ضرورت طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد به‌شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، سیاست ترور، کشتار فراقضایی، جرم تجاوز، نقض حاکمیت، دفاع مشروع.

* استادیار دانشکده علوم انسانی و اسلامی دانشگاه جامع انقلاب اسلامی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.
z.farahmandzad@cuir.ac.ir

مقدمه

از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، مصادف با ۱۵ مهر ۱۴۰۲، رژیم صهیونیستی تهاجم گسترده‌ای را علیه باریکه غزه با هدف «نابودی» حماس و البته الحاق اراضی مذکور به سرزمین‌های اشغالی از طریق اخراج و قتل‌عام گسترده مردم مرتکب شده که این اقدام‌ها متضمن نقض قوانین و قواعد متعددی از معاهده‌های بین‌المللی و قوانین حقوق بشردوستانه بین‌المللی بوده است. در طی یکسال از آغاز این جنایات، آمار تلفات انسانی برای پیکرهایی که هویت ایشان مشخص شده، به ۴۳ هزار نفر رسیده است. آمار افراد مفقودالاثرا به بیش از ۱۰ هزار نفر و افراد آواره به ۲ میلیون نفر رسیده است. شواهد و قرائن نشان می‌دهد که مصادیق متعددی از ارتکاب جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و جنایت نسل‌کشی در این جنگ به‌وضوح دیده می‌شود. بمباران منازل مسکونی، کشتار زنان و کودکان، حمله به تأسیسات غیرنظامی، منازل، مدارس، مساجد، مراکز پلیس، اماکن عمومی، نابودی زیرساخت‌های حیاتی از جمله قطع شبکه توزیع آب و برق، بمباران و تخریب بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، ممانعت از حمل و نقل مجروحان و ارسال دارو، برخی از مهم‌ترین مصادیق جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی و از موارد نقض مقاله‌نامه‌های ژنو از سوی رژیم صهیونیستی در جنگ اخیر غزه است. در جریان حمله به نوار غزه، نیروهای رژیم صهیونیستی با محاصره همه‌جانبه غزه و ممانعت از ارسال نیازهای ابتدایی برای بقای حیات ساکنان غزه و با علم به اینکه قربانیان عضوی از گروه بزرگ‌تری به نام ساکنان غزه هستند و بدون در نظر گرفتن تعلق آنان به یک گروه نظامی یا سیاسی خاص اقدام به قتل آنان کرده‌اند؛ بدین ترتیب هر دو رکن مادی و معنوی جرم نسل‌کشی بر مبنای تعریف ارائه شده در مواد ۲ و ۳ مقاله‌نامه پیشگیری و مجازات ژنوساید (۹ دسامبر ۱۹۴۸) محقق شده است. سایر شواهد حاکی از آن است که علاوه بر نسل‌کشی، عناصر مادی و معنوی دو جرم بین‌المللی دیگر یعنی جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی نیز از سوی این رژیم ارتکاب یافته است. رژیم اشغالگر اسرائیل برای جلوگیری از جمع‌آوری مستندات و ورود نهادهای ناظر بین‌المللی، به هیچ‌یک از کارشناسان و متخصصان ملل متحد اجازه ورود و تفحص از جنایات ارتكابی را نداده است.

۱. حمایت‌های مادی و معنوی سایر کشورها از رژیم صهیونیستی

رژیم صهیونیستی با حمایت ایالات متحده و برخی کشورهای اروپایی همچون انگلیس، فرانسه، استرالیا و اعضای ناتو، ضمن نادیده گرفتن قطعنامه‌های شورای امنیت در مورد توقف فوری حملات به نوار غزه و نیز بی‌توجهی کامل به دو دستور موقت دیوان بین‌المللی دادگستری پیرامون ضرورت اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از نسل‌کشی و تلاش برای بهبود شرایط انسانی در غزه، همچنان به حملات خود ادامه می‌دهد.

از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون، تل‌آویو میلیاردها دلار تجهیزات نظامی مختلف از ایالات متحده آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه دریافت کرده است. بر اساس اعلام وزارت جنگ رژیم صهیونیستی، این تجهیزات شامل ناوگان جدید جنگنده‌های اف ۳۵، تانک، موتور خودروهای زرهی، خودروهای جنگی و هزاران تان تجهیزات نظامی و بمب‌های ممنوعه دیگر می‌شود (دنیای اقتصاد، ش ۶۱۴۷). مجموع این حمایت‌های نظامی و سیاسی از رژیم اشغالگر، مهم‌ترین مدعا بر معاونت کشورهای نظیر ایالات متحده و هم‌پیمانان اروپایی‌اش در ارتکاب جرائم مورد نظر است. بند ۲ و ۵ ماده ۳ مقابله‌نامه منع و مجازات جرم نسل‌کشی که به ترتیب تبانی و شرکت در جرم نسل‌کشی را در زمره جرم نسل‌کشی قلمداد نموده، هرگونه مشارکت در ارتکاب این جرم را مورد توجه قرار داده که فروش تسلیحات نیز از جمله مصادیق آن است. هر چهار کشور ایالات متحده، فرانسه، آلمان و انگلستان، مقابله‌نامه منع و مجازات نسل‌کشی را به تصویب رسانده‌اند؛ بنابراین به‌صورت مستقیم در پرونده آفریقای جنوبی علیه اسرائیل می‌توان علیه این کشورها به جرم معاونت در نسل‌کشی طرح دعوا نمود؛ البته با توجه به تحفظ ایالات متحده بر روی این معاهده، هرگونه طرح شکایت علیه وی منوط به رضایت او است.

ترتیبات واسنار (۱۹۹۶)^۱ و معاهده تجارت اسلحه (۲۰۱۳)^۲ از دیگر ترتیباتی هستند که در مفاد خود فروش سلاح را منوط به حفظ و احترام حقوق بشر و منع نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت نموده‌اند که در این دو سند نیز کشورهای انگلیس، آلمان و فرانسه عضویت دارند.

1. The Wassenaar Arrangement on Export Controls for Conventional Arms and Dual-Use Goods and Technologies, (1996).

2. The Arms Trade Treaty (ATT), 2013.

۲. تحلیل حقوقی جنایت رژیم صهیونیستی در ترور اسماعیل هنیه و سیدحسن نصرالله و

برخی فرماندهان ایران

اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی و یکی از رهبران حماس که برای شرکت در مراسم تحلیف رئیس جمهور ایران به دعوت رسمی این دولت به ایران سفر کرده بود، در ساعت ۱:۳۷ بامداد ۱۰ مرداد ۱۴۰۳ به وقت ایران (۳۱ ژوئیه ۲۰۲۴)، به همراه محافظ شخصی خود در تهران، پایتخت ایران، توسط یک حمله منتسب به اسرائیل ترور شد.

همچنین رژیم اشغالگر قدس در ۶ مهر ۱۴۰۳ (۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴) در اقدامی جنایتکارانه و ناقض قوانین بین‌الملل و حقوق بشردوستانه با استفاده از بمب‌های متعدد یک تنی، جنایت جدیدی علیه انسانیت به راه انداخت و یک منطقه مسکونی در ضاحیه جنوبی بیروت را هدف قرار داد که به تخریب چندین ساختمان روی سر ساکنان آن منجر شد. در این حملات سید مقاومت، سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان و جمعی از فرماندهان مقاومت از جمله سردار عباس نیلفروشان در راه مبارزه با استکبار و رژیم صهیونیستی و آزادی قدس شریف و دفاع از آرمان‌های اسلام و مردم مظلوم فلسطین به فیض شهادت نائل شدند.

جنگ وحشیانه رژیم صهیونیستی علیه ملت‌های منطقه در فلسطین، لبنان و سوریه، ادامه و گسترش سیاست نسل‌کشی و تروریسم دولتی رژیم غاصب است. با توجه به عملیات وحشیانه ارتش رژیم صهیونیستی علیه مردم جنوب لبنان و حومه بیروت و نقض تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی لبنان و همچنین با توجه به ترور اسماعیل هنیه در ایران که مهمان دولت ایران بود (در صورتی که انتساب آن به رژیم صهیونیستی اثبات گردد)، نقض آشکار قوانین بین‌الملل، از جمله نقض قاعده آمره عدم تجاوز صورت گرفته است. نظریه قاعده آمره، نخستین بار در چهارچوب مقاله‌نامه ۱۹۶۳ وین^۱ در زمینه حقوق معاهدات وارد حقوق بین‌الملل موضوعه شد. بر اساس ماده ۵۳ این مقاله‌نامه، سه شاخص عام بودن قاعده، تخطی‌ناپذیری و شناسایی و پذیرش تخطی‌ناپذیری آن از سوی جامعه بین‌الملل دولت‌ها در کل خود، شاخص‌های شناسایی قاعده آمره هستند (عبداللهی و بهزادی، ۱۳۹۸، ص. ۱۷۲). از سوی دیگر باور به آمره بودن قاعده منع توسل به زور گسترده است؛ اما سنجش قاعده منع توسل به زور با

1. Vienna Convention on the Law of Treaties 1969 Vienna Convention on the Law of Treaties 1969.

شاخص‌های فوق نشان می‌دهد نمی‌توان این قاعده را امره قلمداد کرد، چراکه امره بودن (یا تخطی‌ناپذیری) آن به اندازه کافی مورد شناسایی و پذیرش دولت‌ها در کل خود قرار نگرفته و همچنین این قاعده به موجب دفاع مشروع و اقدام نظامی بر مبنای مجوز شورای امنیت، به ترتیب قابل اعتدال و تخطی است؛ اما در مقابل، قاعده منع تجاوز، به واقع تخطی‌ناپذیر و بدون استثنا است و امره بودن آن به صورت ضمنی مورد شناسایی و پذیرش دولت‌ها در کل خود قرار گرفته است؛ بنابراین به نظر می‌رسد قاعده امره حقوق بین‌الملل منع توسل به زور، قاعده منع تجاوز باشد (عبداللهی و بهزادی، ۱۳۹۸، ص. ۱۷۲).

ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی^۱ (رم) که به تعریف جرم تجاوز می‌پردازد، متشکل از دو بند است. بند اول جرم تجاوز را چنین تعریف می‌کند:

«برنامه‌ریزی، تدارک، آغاز یا اجرای اقدام تجاوزکارانه توسط صاحب منصبی که به نحو مؤثری اقدام سیاسی یا نظامی یک دولت را کنترل یا هدایت می‌کند که با توجه به ماهیت، شدت و گستره آن، موجب نقض آشکار منشور ملل متحد می‌شود».

بند دوم نیز مصادیق جرم تجاوز را بر می‌شمارد:

«تهاجم یا حمله به سرزمین دولت دیگر بوسیله نیروهای مسلح یک دولت، یا هر نوع اشغال نظامی، هر چند موقت که از چنین تهاجم یا حمله‌ای ناشی شود، یا هر نوع ضمیمه تمام یا بخشی از سرزمین دولت دیگر با استفاده از نیروی مسلح؛ بمباران سرزمین دولت دیگر یا به‌کاربردن سلاح علیه سرزمین دولت دیگر؛ محاصره بنادر یک دولت؛ استفاده از نیروهای مسلح مقیم در سرزمین دولت دیگر بر خلاف شرایط مقرر در توافقنامه منعقد شده با دولت پذیرنده یا تمدید دوره حضور در سرزمین دولت فرستنده بر خلاف شرایط موافقتنامه؛ اجازه استفاده از سرزمین برای ارتکاب اقدام تجاوزکارانه علیه دولت ثالث؛ ارسال گروه‌ها، نیروهای نامنظم و مزدوران برای انجام عملیات نیروهای نظامی علیه دولت دیگر».

در حملات مسلحانه رژیم صهیونیستی علیه دولت ایران و فرماندهان نظامی ایران

1. Rome statute of the International Criminal Court (1998).

می‌توان برخی از عناصر جنایت تجاوز را مشاهده کرد.

یکی از عوامل رافع وصف متخلفانه توسل به زور، دفاع مشروع هست. ماده ۲۱ مواد پیش‌نویس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱) مقرر می‌دارد در صورتی که دولتی مبادرت به انجام اقدام دفاعی قانونی مطابق منشور ملل متحد کند، آن عمل فاقد وصف متخلفانه خواهد بود؛ بنابراین دفاع مشروع، توجیه توسل به زور در قالب دفاع مشروع است. این در حالی است که بر اساس ماده ۲۶ همین طرح، عوامل رافع وصف متخلفانه نمی‌توانند به‌عنوان توجیه و عذر نقض تعهدات ناشی از قواعد امری حقوق بین‌الملل مورد استناد و اتکا قرار گیرند.^۲ چنانکه پیداست قاعده آمره غیرقابل اعتذار است، ولی توسل به زور مطابق با ماده ۲۱ قابل اعتذار و توجیه است. در شرح کمیسیون بر ماده مزبور، هیچ اشاره‌ای به امری بودن قاعده منع توسل به زور نشده و تنها در خصوص تعهدات ناشی از حقوق بشردوستانه بین‌المللی و مقررات غیرقابل تخطی حقوق بشری، به غیرقابل استناد بودن دفاع مشروع اشاره شده است.

یکی دیگر از مبانی توجیه عمل متخلفانه بین‌المللی به موجب ماده ۲۵ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ۲۰۰۱، ضرورت است.^۳ دولت‌ها بعضاً برای توجیه توسل به زور در عرصه بین‌المللی به ضرورت استناد کرده‌اند؛ برای نمونه ایالات متحده در قضیه نیکاراگوئه برای توجیه توسل به زور به دفاع مشروع ضرورت استناد کرد، ولی دیوان ضرورت را احراز نکرد.^۴ در قضیه سکوه‌های نفتی نیز آمریکا مدعی شد حملات ایران موجب بروز ضرورت برای دفاع مشروع شد.^۵ دیوان در این قضیه نیز اعلام کرد در خصوص بروز ضرورت قانع نشده و در نتیجه توسل ایالات متحده به زور ضروری نبود. مبنای دیگر توسل قانونی به زور در منشور ملل متحد، اقدام نظامی با مجوز شورای امنیت است. توسل به زور با مجوز شورای امنیت عنصری از نظام امنیت جمعی می‌باشد. در واقع نظام امنیت جمعی تنها در صورت تعهد دولت‌ها به خودداری از توسل به زور قابلیت تحقق دارد. در جامعه بین‌المللی کنونی شورای امنیت می‌تواند به زور

1. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, YBILC, 2001, Vol. II, Part Two, Art. 21.

2. Ibid., Art. 26.

3. Ibid., Art. 25.

4. Case Concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, Merits, 1986, I.C.J. Rep., 27 Jun. 1986, para. 34.

5. Case Concerning Oil Platforms, Merits, 2003, I.C.J. Rep., 6 Nov. 2003, para. 62.

متوسل شود و دفاع مشروع، موقتی، استثنایی و در چهارچوب نظام امنیت جمعی و تحت نظارت شورای امنیت انجام می‌شود. اگر سازمان ملل مطابق مقررات خود عمل کند، دیگر نیازی به توسل یک‌جانبه به زور نخواهد بود (Reisman, 1984, p. 642) و زور تنها توسط شورای امنیت اعمال می‌شود و دفاع هم به صورت محدود و تا به کار افتادن نظام امنیت جمعی از سوی دولت قربانی انجام می‌گیرد.

در مسئله حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی به غزه و لبنان شاهد هستیم که به علت عمل نکردن این نظام به شکل مؤثر و قابل قبول و عمل نکردن شورای امنیت به وظایف خود در حفظ و برقراری صلح و امنیت بین‌المللی و ایجاد مانع توسط آمریکا و کشورهای غربی در برقراری آتش‌بس و توقف جنگ و حمایت و تشویق این دولت‌ها به ادامه مخاصمه، نسل‌کشی گسترده همچنان ادامه دارد. در واقع این دولت‌ها با توسل به ماده ۵۱ منشور ملل متحد و تفسیر موسع آن کوشیده‌اند که موارد جدیدی را توسل به زور قانونی جلوه دهند. در واقع در این حالت دفاع مشروع دیگر استثنایی موقتی و اقدامی اجتناب‌ناپذیر در چهارچوب نظام امنیت دسته‌جمعی نیست بلکه جایگزین آن است. در واقع ناتوانی شورای امنیت در انجام وظایفش به طور خاص و ناتوانی نظام امنیت دسته‌جمعی به طور عام موجب شده تابعان حقوق بین‌الملل، رو به توسل یک‌جانبه به زور بیاورند. در واقع در نبود ساختارهای جامعه سازمان‌یافته برای تضمین اجرای حقوق بین‌الملل و در صورت لزوم تغییر آنها، دولت‌ها راهکاری جز توسل به ابزارهای خود ندارند.

بی‌عملی جامعه جهانی به‌ویژه سازمان ملل متحد در برابر جنایات یک‌سال اخیر رژیم صهیونیستی سبب شده تا این رژیم خون‌ریز بدون توجه به اصول و قواعد حقوق بشر، حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه، گستره عملیات خویش را از باریکه غزه فراتر برده و به کشور لبنان نیز تسری بخشد. اخیراً رژیم اشغالگر همان شکل از جنایات کور را با استفاده از بمب‌های چند تنی در لبنان آغاز نموده و در پی این جنایات اخیر، از دوم مهرماه سال ۱۴۰۳ شمسی (۲۳ سپتامبر ۲۰۲۴) تا این لحظه بالغ بر هزار نفر از لبنانی‌ها را شهید و ۲۱۱ هزار نفر را آواره نموده است. به درستی می‌توان ادعا نمود که فهرست جنایات ارتكابی از سوی اسرائیل در لبنان با فهرست جنایات وی در باریکه غزه برابری می‌کند. در طی این مدت کوتاه، رژیم صهیونیستی تنها متمرکز بر ترور و

کشتار مردم و نیروهای مقاومت نبوده بلکه رهبران مقاومت فلسطینی و لبنانی و فرماندهان نظامی ایران که خارج از سرزمین‌های اشغالی و غزه بودند را نیز ترور کرده که مهم‌ترین آن‌ها، ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران و شهید عباس نیلفروشان در کنار سیدحسن نصرالله در لبنان و حمله به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق و به شهادت رساندن جمعی از فرماندهان نظامی ایران در سوریه از طریق نقض تمامیت ارضی کشور ثالث و اقدام به عملیات ترور است. این اقدام‌ها مصداق سیاست ترور^۱ که نقطه کانونی اقدام رژیم اشغالگر برای حذف رقبا و مخالفانش به‌شمار می‌آید به معنای هرگونه اقدام به قتل از طریق حمله قلمداد می‌شود که خارج از اختیارات قضایی یک گروه یا دولت و با مقاصد سیاسی رقم می‌خورد. علاوه بر حق حیات که در چهارچوب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی محترم شمرده شده، بر اساس مقاله‌نامه چهارم ژنو نیز هرگونه کشتار فراقضایی به‌مثابه نقض گسترده حقوق بشر و بشردوستانه قلمداد شده و تحت صلاحیت حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد. همچنین مقاله‌نامه پیشگیری و مجازات جرائم علیه افراد حفاظت‌شده بین‌المللی از جمله نمایندگان سیاسی که از سوی مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه ۳۱۶۶ به تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۳ به تصویب رسیده از دیگر اسناد حائز اهمیتی است که مسئله ترور و قتل افراد تحت حفاظت بین‌المللی و دارای مصونیت را ممنوع می‌سازد. ماده ۲ این مقاله‌نامه در تعریف افراد تحت حفاظت بین‌المللی بیان می‌دارد: «افراد تحت حمایت بین‌المللی یعنی: ۱- رؤسای دولت‌ها از جمله هر یک از اعضای بدنه دولت که کارکرد رئیس دولت را بر اساس قانون اساسی بر عهده دارد، رئیس قوه مجریه یا وزیر امور خارجه و اعضای خانواده وی هنگامی که خارج از قلمرو سرزمینی خود به سر می‌برد. ۲- هر نماینده یا مقام رسمی یک دولت یا نماینده و مقام رسمی یک سازمان بین‌المللی که دارای ماهیت بین‌الدولی است...». بنابر آنچه مقاله‌نامه مذکور معین نموده، رئیس کشور، دولت و نمایندگان رسمی واحدهای سیاسی و سازمان‌های بین‌المللی بین‌الدولی از مصونیت در برابر جرائم مندرج در این سند از جمله قتل و ترور برخوردارند. با توجه به آنکه شهید اسماعیل هنیه دبیر شاخه سیاسی حماس و رهبر سیاسی حزب خویش بود که با پاسپورت سیاسی در ایران حضور داشت، اقدام اسرائیل در ترور ایشان مصداق بارز

1. Assassination

نقض افراد تحت حفاظت بین‌المللی و دارای مصونیت است.

در هر حمله‌ای که علیه یک فرد، خواه یک هدف با ارزش بالا یا یک سرباز باشد، اولین سؤال این است که آیا وضعیت یا فعالیت‌های آنها واجد شرایط حمله است یا خیر؟ سه دسته از افراد را می‌توان مورد هدف قرار داد: رزمندگان، اعضای گروه‌های مسلح سازمان‌یافته (OAG) و غیرنظامیانی که مستقیماً در خصومت‌ها شرکت می‌کنند. از نظر رژیم صهیونیستی، سیدحسن نصرالله به‌عنوان یک عضو نظامی حزب‌الله است و به‌علاوه، اگر هم نظامی نباشد به‌خاطر مشارکت در تنظیم عملیات‌های نظامی و تأیید آنها در خصومت‌ها به‌طور مستقیم مشارکت داشت و بنابراین یک هدف مشروع است. باید گفت، اولین مورد از سه دسته فوق در مورد نصرالله صدق نمی‌کند؛ زیرا جنگیدن مفهومی محدود به مخاصمه مسلحانه بین‌المللی است. حال آنکه درگیری میان حزب‌الله و رژیم یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی است. اعضای گروه‌های مسلح سازمان‌یافته، دسته دوم، همچنین به‌طور قانونی در هر زمان (با رعایت دیگر مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه در مورد هدف قراردادن افراد)، ازجمله در مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی مانند آنچه بین اسرائیل و حزب‌الله وجود دارد، قابل هدف هستند. حزب‌الله یک «گروه مختلط» است به این معنا که هم وظایف غیرنظامی و هم نظامی را انجام می‌دهد. اگر یک گروه دارای زیرمجموعه‌های مجزایی باشد که در وظایف کاملاً غیرنظامی هستند، کل گروه نمی‌تواند واجد شرایط سازمان مسلح سازمان‌یافته باشد. تنها شاخه نظامی حزب‌الله شامل مفهوم گروه مسلح سازمان‌یافته است و بر این‌اساس، تنها اعضای این شاخه بر اساس وضعیتشان قابل هدف می‌باشند. رهبران ارشد یک گروه غیردولتی با شاخه نظامی لزوماً بر اساس موقعیت خود واجد شرایط عضویت در گروه سازمان‌یافته مسلح نیستند. حتی اگر آنها در تصمیم‌گیری در سطح راهبردها جنگ، مانند تصمیم‌گیری در مورد اینکه آیا و چه زمانی خصومت را آغاز کنند، شرکت کنند، چنین است. «مطمئناً همه رهبران ملی که در بالای زنجیره فرماندهی نظامی - اعم از قانون‌گذاری، قانون اساسی و یا بالفعل - مشغول به‌کار هستند، اعضای قابل هدف نیروهای مسلح نیستند». مطابق دفترچه راهنمای قانون جنگ وزارت دفاع ایالات متحده:

«رهبرانی که اعضای یک نیروی مسلح یا گروه مسلح (شامل سران کشورها،

مقامات غیرنظامی و رهبران سیاسی) نیستند، ممکن است هدف حمله قرار گیرند، در صورتی که مسئولیت آنها شامل فرماندهی یا کنترل نیروهای مسلح باشد» (نژندی منش، ۱۴۰۳).

بنابراین، صرف اینکه دبیرکل حزب الله لبنان در تصمیم‌گیری‌های نظامی مشارکت می‌کرد یا تصمیم نظامی را تأیید می‌کرد، به خودی خود نمی‌تواند وی را به یک هدف مشروع نظامی تبدیل کند.

در خصوص مشارکت مستقیم در خصومت‌ها باید گفت که این امر به‌عنوان یک موضوع حقوقی مخاصمات مسلحانه معاهده‌ای و عرفی به‌خوبی پذیرفته شده است و بنابراین غیرنظامیانی که «مستقیماً در خصومت‌ها شرکت می‌کنند» حمایت خود را در برابر حمله «برای زمانی» که در آن شرکت می‌کنند، از دست می‌دهند. در اینجا نیز باید تفسیری مضیق بعمل آوریم تا افراد غیرنظامی بیشتری مورد حمایت قرار گیرند و این دقیقاً منطبق با هدف حقوق بین‌الملل بشردوستانه یعنی حمایت از غیرنظامیان است. اگر بخواهیم غیر از این تفسیر کنیم باید همه شهروندان غیرنظامی را که به نحوی نقش دارند هدف مشروع قلمداد کرد و مورد حمله قرار داد. در نهایت باید گفت حمله‌ای که منجر به شهادت سیدحسن نصرالله شد، بر خلاف اصل تفکیک، اصل تناسب و همچنین اصل اتخاذ اقدام‌های احتیاطی بود. درعین حال تفسیری موسع از استثنای مزیت نظامی است که می‌تواند خطرناک تلقی شود (نژندی منش، ۱۴۰۳).

آنچه مهم این است که دشمن هم قبل از هر اقدامی به دنبال پیدا کردن مبنای حقوقی است و هم بعد از آن اقدام خود را در چهارچوب حقوق بین‌الملل تئوریزه می‌کند. پیشنهاد می‌شود - به‌ویژه در شرایط فعلی - گروهی از حقوق‌دانان بر اقدام‌های ایران و همچنین اقدام‌های رژیم علیه ایران تمرکز نمایند و به مستندسازی و تئوریزه کردن حقوقی اقدام‌ها از منظر حقوق بین‌الملل اقدام کنند. در خصوص مورد اخیر می‌توان حتی از صاحب‌نظران غیرایرانی در حوزه حقوق بین‌الملل استفاده کرد.

۳. اقدام‌های حقوقی بین‌المللی

متأسفانه علی‌رغم گستردگی جنایات علیه امت اسلامی در این یکسال اخیر، هیچ‌گونه اقدام حقوقی قابل‌اتکا و مشخصی توسط کشورهای اسلامی علیه رژیم صهیونیستی در

مجامع ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی صورت نگرفته و صرفاً دو کشور غیراسلامی آفریقای جنوبی و نیکاراگوئه، اقدام به طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری بر اساس مقاله‌نامه منع نسل‌کشی علیه اسرائیل کرده‌اند. با توجه به آنکه ظرفیت بسیار خوبی هم در سطح محاکم ملی، هم دادگاه‌های ویژه (Ad Hoc)، همچنین شوراها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی وجود دارد، مایه شگفتی و البته تأسف است که چگونه در این مدت ظرفیت‌های مذکور فعال نشده است.

مردم و مجاهدان نستوه لبنانی سال‌های متمادی است که از تجاوزات بی‌حدوحصر و جنایات رژیم صهیونیستی در امان نیستند و متأسفانه در هفته‌های اخیر اوج جنایات رژیم خون‌آشام صهیونیستی علیه مردمان بی‌دفاع و غیرنظامیان غزه و لبنان را شاهدیم. باند جنایتکار و نژادپرست نتانیاهو با محکوم کردن متوقف نمی‌شود و پس از لبنان به دمشق و بعد از آن به بغداد و حتی شاید به ایران حمله کند. در صورت ناتوانی سیستم امنیت جمعی برای جلوگیری از جنایات وحشیانه رژیم صهیونیستی مطابق حقوق بین‌الملل و قاعده دفاع مشروع، با توجه به شهادت سرداران ایرانی در کنار فرماندهان مقاومت در لبنان، ایران نیز به همراه لبنان می‌تواند به دفاع مشروع تا دفع متجاوز مبادرت ورزد.

کشورهای مدعی غربی که از حقوق بشر به صورت جانبدارانه و نمایشی و برای فشار به دولت‌ها و ملت‌ها استفاده می‌کنند، نسبت به این حجم از وحشی‌گری ضمن حمایت، سکوت مغرضانه اختیار کرده و همین سکوت همراه با بی‌عملی سازمان ملل و شورای امنیت، منجر به این حجم یاغی‌گری رژیم گردیده تا نسل‌کشی اعراب فلسطینی - لبنانی را بدون هیچ مسامحه و پاسخگویی ادامه دهد.

در این وضعیت بحرانی منطقه خاورمیانه ضروری است تا همه کشورهای مدافع و حافظ صلح، بالخصوص کشورهای عربی در مقابل گستاخی‌های بی‌امان این رژیم نامشروع در کنار مردم مسلمان بایستند تا رئیس رژیم اشغالگر به خود اجازه ندهد در صحن علنی سازمان ملل در نیویورک بیکه‌تازی کرده و با دروغ‌پردازی‌های جنون‌آمیز از طرح همکاری با اعراب منطقه سخن بگوید و در همان زمان دستور حمله به مردم غیرنظامی صادر کند و اصل تفکیک و ضرورت و کلیه اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی را نقض نماید.

دستگاه دیپلماسی ایران باید با تشریک مساعی ویژه و مذاکرات دوجانبه، چندجانبه و تشکیل فوری جلسه سران سازمان همکاری اسلامی، کسب حمایت مجامع بین‌المللی و طرح فوری موضوع در شورای امنیت سازمان ملل، مداخله مؤثر و ممانعت از ادامه این فجایع را به جد پیگیری نماید.

۴. اقدام‌های حقوقی جمهوری اسلامی ایران

به نظر می‌رسد عدم تشکیل اتاق فکر جنگِ حقوقی در ایران - با همکاری سایر کشورهای آزاده، مسلمان و محور مقاومت - بزرگ‌ترین ظرفیت‌سوزی بوده که خود متضمن نقض اصول ۳ (بند ۱۶)، ۱۱، ۱۵۲ و ۱۵۴ قانون اساسی و همچنین مواد ۱ و ۱۱ قانون مقابله با اقدام‌های خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت (مصوب ۱۳۹۹) می‌باشد. با توجه به موارد فوق، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند چند اقدام عاجل را مدنظر قرار دهد:

- ۱- تشکیل کمیته مبارزه حقوقی علیه رژیم صهیونیستی با همکاری وکلا و قضات آزاده و مسلمان سراسر جهان؛
- ۲- استفاده از ظرفیت سازمان همکاری اسلامی و تصویب اساسنامه دیوان عدل اسلامی به منظور مبارزه متحد کشورهای اسلامی با رژیم اشغالگر و مجازات جنایتکاران این رژیم؛
- ۳- برگزاری نشست فوری با کشورهای اسلامی عضو (OIC) به منظور ارائه راهکارهای قطع همکاری و منع صادرات نفت و گاز به رژیم اشغالگر از سوی کشورهای اسلامی عضو اوپک؛
- ۴- ورود ثالث به پرونده جنایت نسل‌کشی اسرائیل در دیوان بین‌المللی دادگستری؛
- ۵- مکاتبه با دادستان دیوان بین‌المللی کیفری (چهارچوب سازوکار ماده ۱۵ اساسنامه دیوان) به منظور پیگیری صدور حکم دستگیری علیه سران رژیم جنایتگر از سوی قضات دیوان.

۵. فرجام

بی‌توجهی و بی‌عملی در برابر جنایات اسرائیل آتشی است که دود آن به چشمان ملت‌های مسلمان در وهله نخست و جامعه جهانی در گام دوم خواهد رفت. این رژیم

سفاک هرگز دست از کشتار، قتل‌عام و ترور برنمی‌دارد و تنها می‌توان با عوامل بازدارنده چندگانه نظامی - حقوقی - سیاسی جلوی آن ایستاد. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان پیشتاز حرکت محور مقاومت و امام این جریان موظف به اقدام‌هایی عاجل در سطح حقوقی - سیاسی و نظامی است. در این راستا اقدام ایران در حملات موشکی گسترده به رژیم اشغالگر و هدف قرار دادن پایگاه نظامی نواتیم در شامگاه سه‌شنبه ۱۰ مهرماه ۱۴۰۳ در اقدام به دفاع مشروع در برابر تجاوز رژیم اشغالگر به خاک یا منافع و حاکمیت ایران و ترور فرماندهان نظامی ایرانی در سایر کشورها از جمله سوریه و لبنان و شهادت اسماعیل هنیه پاسخی مناسب و با ضرورت طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد به‌شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

بی‌عملی جامعه جهانی به‌ویژه سازمان ملل متحد در برابر جنایات یکسال اخیر رژیم صهیونیستی در غزه سبب شده تا این رژیم خون‌ریز بدون توجه به اصول و قواعد حقوق بشر، حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه، گستره عملیات نسل‌کشی خویش را از باریکه غزه فراتر برده و به کشور لبنان نیز تسری بخشد.

در طی این مدت کوتاه، رژیم صهیونیستی تنها متمرکز بر ترور و کشتار مردم و نیروهای مقاومت نبوده بلکه رهبران مقاومت فلسطینی و لبنانی و فرماندهان نظامی ایران که خارج از سرزمین‌های اشغالی و غزه بودند را نیز ترور کرده که مهم‌ترین آن‌ها، ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران و شهید عباس نیلفروشان در کنار سیدحسن نصرالله در لبنان و حمله به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق و به شهادت رساندن جمعی از فرماندهان نظامی ایران در سوریه از طریق نقض تمامیت ارضی کشور ثالث و اقدام به عملیات ترور است. این اقدام‌ها مصداق سیاست ترور که نقطه‌کانونی اقدام رژیم اشغالگر برای حذف رقبا و مخالفانش به‌شمار می‌آید به معنای هرگونه اقدام به قتل از طریق حمله قلمداد می‌شود که خارج از اختیارات قضایی یک گروه یا دولت و با مقاصد سیاسی رقم می‌خورد.

بی‌توجهی و بی‌عملی در برابر جنایات اسرائیل آتشی است که دود آن به چشمان ملت‌های مسلمان در وهله نخست و جامعه جهانی در گام دوم خواهد رفت. این رژیم

سفاک هرگز دست از کشتار، قتل عام و ترور برنمی‌دارد و تنها می‌توان با عوامل بازدارنده چندگانه نظامی - حقوقی - سیاسی جلوی آن ایستاد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان پیشتاز حرکت محور مقاومت و امام این جریان موظف به اقداماتی عاجل در سطح حقوقی - سیاسی و نظامی است. در این راستا اقدام ایران در حملات موشکی گسترده به رژیم اشغالگر و هدف قرار دادن پایگاه نظامی نواتیم در شامگاه سه شنبه ۱۰ مهرماه ۱۴۰۳ در اقدام به دفاع مشروع در برابر تجاوز رژیم اشغالگر به خاک یا منافع و حاکمیت ایران و ترور فرماندهان نظامی ایرانی در سایر کشورها از جمله سوریه و لبنان و شهادت اسماعیل هنیه پاسخی مناسب و با ضرورت طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد به‌شمار می‌رود.

همچنین با توجه به اصول ۳ (بند ۱۶)، ۱۱، ۱۵۲ و ۱۵۴ قانون اساسی و همچنین مواد ۱ و ۱۱ قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت (مصوب ۱۳۹۹)، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند چند اقدام عاجل را مدنظر قرار دهد: الف) تشکیل کمیته مبارزه حقوقی علیه رژیم صهیونیستی با همکاری وکلا و قضات آزاده و مسلمان سراسر جهان؛

ب) استفاده از ظرفیت سازمان همکاری اسلامی و تصویب اساسنامه دیوان عدل اسلامی به منظور مبارزه متحد کشورهای اسلامی با رژیم اشغالگر و مجازات جنایتکاران این رژیم؛

پ) برگزاری نشست فوری با کشورهای اسلامی عضو (OIC) به منظور ارائه راهکارهای قطع همکاری و منع صادرات نفت و گاز به رژیم اشغالگر از سوی کشورهای اسلامی عضو اوپک؛

ت) ورود ثالث به پرونده جنایت نسل‌کشی اسرائیل در دیوان بین‌المللی دادگستری؛
ث) تصویب لوایح مربوط به پذیرش اصل صلاحیت جهانی در مورد جرایم مهم بین‌المللی (طبق ماده ۹ قانون مجازات اسلامی) و اعطای صلاحیت به دادگاه‌های داخلی برای محاکمه جنایتکاران رژیم صهیونیستی.

کتابنامه

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت (۱۳۹۹).
دنیای اقتصاد (۱۴۰۳/۷/۱۰). ۶۱۴۷، قابل دسترس در: <https://donya-e-eqtesad.com>
عبدالهی، محسن و بهزادی، کیوان (۱۳۹۹). موانع آمره بودن قاعده منع توسل به زور. مجله حقوقی بین‌الملل، (۶۳).
نژندی منش، هیبت‌الله (۱۴۰۳). ترور شهید سید حسن نصرالله؛ اقدام ناقض حقوق بین‌الملل. معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی، ۱۴۰۳/۰۷/۲۷، قابل دسترس در: <http://lri.ir/PacaVX>
Convention on the Prevention and Punishment of Crimes against Internationally Protected Persons, including Diplomatic Agents (1973).
Reisman, W. M. (1984). Coercion and Self-Determination: Construing Charter Article 2(4). *American Journal of International Law*, 78(3).
Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (2001).
Rome statute of the International Criminal Court (1998).
The charter of the United Nations.
The Arms Trade Treaty (ATT) (2013).
The Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (CPPCG), 1948.
The Wassenaar Arrangement on Export Controls for Conventional Arms and Dual-Use Goods and Technologies (1996).
UN/RES/3166 (1973).
Vienna Convention on the Law of Treaties 1969 Vienna Convention on the Law of Treaties (1969)..

